

ادامه از صفحه اول

گزاره‌هایی در باب معامله آمریکا روسیه

۳- تغییرات میدانی به نفع داعش در مناطق ادلب و تدمر و الرامادی و متصل‌کردن مناطق داعش در شرق سوریه با غرب عراق و تصرف گذرگاه‌های مرزی، باعث تغییر معادله به نفع قدرت تروریستی داعش و نگرانی قدرت‌های بزرگ شده است.

۴- نیاز به همراهی روسیه نسبت به برنامه اتمی و اس- ۳۰۰، به‌ویژه در مرحله مذاکرات سخت‌گیرانه برای تعیین نظام دسترسی‌ها.

سفر جان کری به سوچی، سه روز بعد از برگزاری جشن معنادر ۹ می روس‌ها بدون حضور مقامات غربی به همراه مسئول تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای آمریکا و اوکراین، خانم‌ها وندی شرمن و ویکتوریا نولاند و دیدار پنج‌ساعته با پوتین و تفاهم برای برگزاری جلسات محتوایی و کارشناسی بین طرفین در پرونده‌های مرحله از مذاکرات بین دو قدرت موثر در عرصه جهانی اوکراین و سوریه با حضور خانم نولاند و دانیل رویینستاین، نماینده ویژه آمریکا در سوریه، اهمیت این مرحله از مذاکرات بین دو قدرت به‌شراء معادلات بین‌المللی را تبیین و گزاره‌های زیر را محتمل می‌کند:

الف) مدیریت بحران‌های بین‌المللی توسط آمریکا، بدون بهره‌گیری از ظرفیت روس‌ها امری دشوار و پرهزینه و مشکل‌ساز برای دیگر اجزای دیپلماسی جهانی و منطقه‌ای بوده است؛ بنابراین آمریکایی‌ها اگرچه نمی‌خواهند به شرایط معادلات بین‌المللی پس از فروپاشی شورای بازرگند و رسماً مایل نبینند روند تقسیم منافع را با ذهنیت آن دوره تکرار و رسمیت بخشند، اما به‌طور تاکتیکی و در حد مشارکت جزئی و شکلی و دورنگه‌داشتن روس‌ها از انتلاف‌سازی با قدرت‌های مؤثر جهانی و منطقه‌ای، همچون چین و هند و ایران، ناگزیر از ورود به مذاکرات برای تعدیل موضع خسته‌مان آن و بهره‌گیری از تشریک مساعی در مسائل جهانی هستند.

ب) نیل واشنگتن و مسکو به‌نوعی از مفاهمه- چیزی که لااروف آن را به نوعی مخرج مشترک و نزدیکی موضع در پرونده اوکراین و سوریه در قالب تحکیم تفاهمنامه مینسک و وصول به مشارکت در پیداکردن راه‌حل برن‌فوت از بحران سوریه در قالب ژنو۳ خوانده است- نشان‌دهنده نوعی تشریک مساعی فعال در پرونده سوریه است که با برگزاری جلسات کارشناسی نمایندگان آمریکا، بلافاصله بعد از سفر کری، توسط مسئولان آمریکایی در مسکو با معاونان وزرای خارجه روسیه انجام شده و سپس در اجلاس انتلاف سوریه در پاریس با حضور لااروف در هفته آینده تکمیل خواهد شد.

ج) در صحنه اروپایی و آسیایی، آمریکایی‌ها به دنبال کاهش جو بحران و جلوگیری از تیرگی اوضاع ناشی از مانور و پروازهای تجسسی روسیه و تأثیرگذاری در ارتباطات با انتلاف‌سازان مضر روسیه با دیگر قدرت‌های ذی‌نفوذ هستند و از طریق نوعی تعدیل و مشارکت‌دهی روس‌ها در مذاکرات، می‌کوشند زمینه جلوگیری از هم‌پوشانی روسی، چینی و هندی و نهایتاً با دولت‌های بریکس را تسهیل و فراهم کنند.

د) آمریکایی‌ها در پرتو رویکردهایی که اوپاما در زمینه ثبت موفقیت سیاسی در پرونده ایران و کویت به‌عنوان یک میراث سیاسی بزرگ برای وراث بعدی نیاز دارند، ناگزیر به حفظ موضع مشترک و هماهنگ روسیه با آمریکا، در پرونده اتمی، به‌ویژه در شرایط فعلی و خصوصاً در بخش فعلی و سخت‌گیرانه مذاکرات هستند. آثار ناشی از آن شامل رفع تحریم‌ها و تحویل اس- ۳۰۰ که مستلزم انسجام موضع بین تمامی اعضاست، برای آنها اهمیت زیادی دارد.

هـ) روس‌ها نیز در این میان، منافع خود را اولویت‌بندی کرده و بعید است مسائل اصلی را فدای مسائل شکلی کنند. آنان در بحران اوکراین و سوریه و حتی اتمی ایران، شاید مایل‌اند روند تشریک مساعی برای ابرورفت مشترک با راه‌حل‌های تفاهم‌آمیز را سپری کنند، اما اهداف اصلی خود را که همانا دفاع از حوزه‌های منافع ملی و امنیتی و اقتصادی است نادیده نمی‌انگارند و از رفع تحریم‌های اقتصادی و مالی غرب علیه مسکو چشم‌پوشی نمی‌کنند. متقابلاً آمریکایی‌ها نیز ناگزیر به صیانت از منافع هم‌پیمانان خود در این فرآیند هستند، بنابراین جهش از دوره کدورت‌های یک‌ساله منتج از بحران اوکراین، آن‌هم بدون امتیازدهی روس‌ها، کاری بس دشوار و مخاطره‌آمیز برای آمریکایی‌هاست. همان‌طوری که روس‌ها چند روز قبل، در همین فضای مصالحه‌جویانه می‌مایین ترابری ناتو و آمریکایی‌ها به افغانستان از آسمان قلمرو روسیه را متوقف کرده و در مقابل آمریکا کارشکنی برای مانع‌تراشی در تضعیف ائتلاف روس‌ها در فیفا را برای خالی‌کردن فرش قرمز بازی‌های جهانی فوتبال در سال ۲۰۱۸ از زیر پای روس‌ها در دستور کار دارند.

راه‌منزوی ساختن تندروها

هر روز بر دامنه آن افزوده می‌شود. مسئلّه آن‌گاه جدی‌تر می‌شود که شیوه عمل این افراد، سازماندهی قبلی را محتمل می‌کند. با توجه به اشرافی که دستگاه مسئول امنیت در کشور بر مسائل مختلف دارد و حتی وزیر اطلاعات از شناسایی و انهدام نیروهای خرابکار تکفیری داعش در ایران خبر می‌دهد، به نظر نمی‌رسد شناسایی و مدیریت این گروه تندرو، دشوار باشد. وقتی این جریان به سادگی در حین سخنرانی رئیس مجلس در قم، درست به آن رفتارها زدند و پرونده مذکور نیز فرجام مشخصی نیافت، وقتی در مناسبت‌های مختلف در سخنرانی‌ها، این اقدام خود را تکرار می‌کنند، گسترش دایره فعالیت آنان دور از ذهن نخواهد بود.

ادامه در صفحهٔ ۷

آقای اطهاری، در آغاز بحث، «تله فضایی» را تعریف کرده و انواع آن را مشخص کنید.

اطهاری: «تله فضایی» در واقع نوعی تله جغرافیایی است که عملکرد بشر، آن را ایجاد می‌کند و در آن تله جغرافیایی، روابط اقتصادی، اجتماعی و حتی فرهنگی مکرراً تکرار می‌شوند که نوعی قفل‌شدگی را ایجاد می‌کنند، البته باید میان تله فضایی با جبر جغرافیایی تفاوت قائل شد. جبر جغرافیایی مقوله‌ای است که از طبیعت به انسان تحمیل می‌شود که امکان تحرک بشری را بگیرد، اما تله فضایی، تله انسان‌ساخت است که در اثر روابط کژکارکرد اقتصادی و اجتماعی و حتی سیاسی به‌وجود می‌آید. دراین‌میان می‌توان «تله فقر فضایی» را هم تعریف کرد که بازتولید فقر می‌کند. این نوع فقر در اثر کنار گذاشتگی مکانی خاص در برنامه‌ریزی مسکن و شهرسازی ایجاد می‌شود که حتی می‌تواند در داخل شهر یا بیرون صورت گیرد که می‌توان به ایجاد حاشیه‌نشینی در بطن شهر تهران و حاشیه‌نشینی در سیستان وبلوچستان اشاره کرد. اگر به طرح تله فضایی برگردیم، می‌توان گفت با خشک‌شدن دریاچه ارومیه در پیرامون آن، یک تله فضایی ایجاد شده که فقر نیست، اما سیستم تنزل پی‌دربی، به‌ویژه از لحاظ زیست‌محیطی، را سبب شده است. در مورد تهران هم می‌توان گفت کل تهران دچار اقتصاد رانتی است. تهران در واقع بازتولید رانتی می‌کند که خود تبدیل به یک تله فضایی شده که در آن، بازتولید رانت صورت می‌گیرد. اگر دیوید هاروی می‌گفت شهری‌شدن سرمایه، می‌توان به تهران لقب شهری‌شدن رانت را داد که یک روند نامولد را ایجاد می‌کند، درصورتی‌که حداقل جامعه سرمایه‌داری رشد نیروهای مولد را به همراه دارد؛ اما چون رانت بر اقتصاد تهران و ایران سکنگی می‌کند، پیوسته رانت در آن بازتولید می‌شود. از طرفی تله‌ای که در عسلویه رخ داده یک تله فضایی است. بارها گفته‌ام صد رحمت به نفت ایران و انگلیس، اقلاً آبادان بیشتر قابل زندگی بود تا عسلویه. تله فضایی، فقر نیست؛ بلکه روابط تکرار‌شونده‌ای است که در آن، جامعه بومی وارد دور مولد نمی‌شود و توسعه پایدار رخ نمی‌دهد. مجموعه تله‌های فضایی به این‌روان به افزایش است. درحال‌حاضر سکونتگاه‌های غیررسمی افزایش یافته و استان‌هایی مانند سیستان‌وبلوچستان کنار گذاشته شده‌اند. این عوامل، نفع‌ها به رشد اقتصادی کشور کمک نمی‌کند، بلکه عواقب نامناسبی در شرایط کنونی منطقه‌ای دارد.

آقای شیخی، شما تحقیقات گسترده‌ای روی مناطقی داشته‌اید که به خاطر دور بودن از مرکز، از بسیاری از امکانات محروم بودند. با توجه به تخصص شما در حوزه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، تله فضایی را از بعد منطقه‌ای بررسی کنید تا مشخص شود در ایران در چه وضعیتی قرار دارد.

شیخی: برای این‌ موضوع بررسی را مطرح می‌کنم. آیا تله فضایی ناشی از ویژگی‌های فضا و مکان است؟ یعنی این ویژگی‌هاست که دور باطلی را ایجاد می‌کند که فرارفتن از آن ممکن نیست یا یک سری روابط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است که این تله را ایجاد می‌کند؟ بین صاحب‌نظران در پاسخ به این پرسش دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. در نظریات مکتب شیکاگو یا نظرات اقتصاد سیاسی فضا، دیدگاه‌ها از گونه‌ای است که ممکن است حتی خود فضا را هم در این قضیه مقصر بدانند. برخی نیز عقیده دارند ویژگی‌های فضا و مکان نیست که تله را ایجاد می‌کند؛ بلکه نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی و مجموعه شرایطی که در علوم سیاسی وجود دارد، آن را دامن زده و موجب شکل‌گیری تله‌های فضایی می‌شود؛ بنابراین هرچه در آن فضا تغییر ایجاد کنیم و هرچه به پیراستن این فضا توجه کنیم، چون ریشه‌ها و روابط ناسالم برقرار و باقی است، این تله فضایی عمل می‌کند و مرتب تشدید می‌شود و خارج‌شدن از آن، کار بسیار سختی است. اگر بخوانیم از جنبه منطقه‌ای

به این موضوع توجه کنم، به نظر می‌وجه بسیار مهم این قضیه، نابرابری‌ها و عدم‌تعادل فضایی در سطح منطقه است، یعنی مجموع پارمترهایی که در طول دوره‌های متوالی، از گذشته تاکنون، باعث شده این نابرابری‌ها به وجود بیاید و در مکانی به نام شهر سر باز کند. منظور این است که وقتی تفاوت شدیدی بین مناطق مختلف به دلایل اقتصادی، اجتماعی و امثال آن به‌وجود می‌آید عملاً نابرابری‌های شدیدی که به‌وجود می‌آید، موجب مهاجرت‌ها و جابه‌جایی وسیع جمعیتی می‌شود. گرچه با نفس مهاجرت مخالف نیستم و معتقدم باید آن را جهت داد، اما به‌طور عام با شرایطی که ما داریم، این جابه‌جایی‌ها طبیعی نبوده و بیمارگونه است. در واقع به حدی بوده که در طرح آمایش سرزمین، از آن با عنوان نیمه شمال‌غرب و جنوب‌شرق یاد می‌شود که دوگانگی یا به تعبیری حتی چندگانگی عظیم فضایی را به‌وجود آورده است.

اگر به همان نیمه غربی یا شمالی ایران هم نگاه کنیم، در داخل هر استان و شهرستان می‌توانیم نابرابری‌ها و تضادهای فضایی را به شکل تشدیدشده ببینیم. این نابرابری‌ها عملاً خودش را در شکل جابه‌جایی‌های وسیع که به نظم از بحث مهاجرت فراتر است، نشان می‌دهد و این جمعیت وارد شهر می‌شود و در بدنه شهر، چه به لحاظ اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فیزیکی، جذب نمی‌شود و به حاشیه‌ها می‌رود. ابتدا در حاشیه اقتصادی و فیزیکی شهر قرار می‌گیرد و سپس فضایی ایجاد می‌شود که به‌نظر می‌رسد برون‌رفت از آن، آسان نیست. به‌نظم دلیل منطقی بیشتر این است که در طول دوران گسترده‌ای در گذشته، دوره‌های باطلی شکل گرفته که برخی مناطق مرتباً توسعه پیدا کرده‌اند و خیلی از مناطق توسعه‌نیافته باقی مانده‌اند و تشدید این قضیه باعث نابرابری‌های شدید

اقتصاد



عباس‌ها، عیسی‌ها، کورنیل، شرق

«شرق» در میزگردی باحضور کارشناسان، «تله فضایی» را بررسی کرد

شکوفه حبیب‌زاده؛ شاید واژه «تله فضایی» اندکی نامفهوم باشد، اما بهترین تعبیر برای مکان‌ها و مناطقی است که به دور از دسترسی به امکانات شهری قرار گرفته‌اند و به نوعی، از نگاه دولتمردان دور افتاده‌اند و در برنامه‌های توسعه شهری، خبری از آنها نیست. این تله انسان‌ساخت که در اثر روابط کژکارکرد اقتصادی و اجتماعی و حتی سیاسی به وجود می‌آید، بازتولید فقر می‌کند و در نهایت، منجر به افزایش حاشیه‌نشینی و سکونتگاه‌های غیررسمی می‌شود. از سویی تله فضایی اجازه نمی‌دهد کم‌درآمدها از تله طبقاتی خارج شوند؛ هرچند شاید نسل اول این سکونتگاه‌ها متوجه نشوند که در تله افتاده‌اند، اما به گفته کمال اطهاری، قطعاً نسل دوم و سوم این سکونتگاه‌ها نسبت به این موضوع آگاهی خواهند یافت. برای بررسی این موضوع «شرق» بر آن شد تا با برگزاری میزگردی این موضوع را به چالش بکشد تا با ارائه راهکارهایی از سوی کارشناسان خبره این حوزه، دولتمردان بتوانند برنامه‌های جامعی را برای جلوگیری از گسترش تله فضایی در پیش گیرند. این میزگرد با حضور کمال اطهاری، اقتصاددان و کارشناس مسکن، مجید روستا، عضو هیات‌مدیره شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران، محمد شیخی، برنامه‌ریز شهری و فردین یزدانی، کارشناس مسکن، برگزار شد که خواندن آن را توصیه می‌کنیم.

و جابه‌جایی‌های وسیع جمعیتی و سر بازکردن در شهرها و به‌خصوص مناطق کلان‌شهری شده است. به‌نظر می‌رسد با سازماندهی فضا، شکل‌دهی به فضا یا توانمندسازی می‌توان مؤثر عمل کرد. حتی کارهایی که در قالب توانمندسازی انجام می‌دهیم تسکین است، اما تا ریشه‌ها و بنیادها هدف نگیرد، به نظر نمی‌آید بتوانیم این پدیده را ریشه‌کن کنیم و فقط نقش تسکین و تعدیل را دارد و تا زمانی که روابط اصلاح نشود از این تله رها نخواهیم شد.

آقای روستا از سکونتگاه‌های غیررسمی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تله‌های فضایی یاد می‌شود. این سکونتگاه‌ها چگونه ایجاد می‌شوند؟

روستا: به عقیده من این مسئله تحت‌تأثیر دوگونه عوامل از نظر منشأ شکل‌دهی است: عوامل بیرونی و درونی. اساساً مسئله تله فضایی را شاید بتوان این‌طور تعبیر کرد، مثل این است که در کلاس درس، یک دانش‌آموز از نظر میزان یادگیری نسبت به دیگران عقب‌تر است و به جای اینکه وقت بیشتری برای او گذاشته شود که به سطح کلاس برسد، فراموش می‌شود. می‌توان گفت بحث نابرابری فضا، منجر به شکل‌گیری تله‌های فضایی می‌شود. نکته بعد اینکه این تله فضایی از دید چه کسی است؟ شاید از نظر مجموعه شرایطی که در علوم سیاسی وجود دارد، آن را دامن زده و موجب شکل‌گیری تله‌های فضایی می‌شود؛ بنابراین هرچه در آن فضا تغییر ایجاد کنیم و هرچه به پیراستن این فضا توجه کنیم، چون ریشه‌ها و روابط ناسالم برقرار و باقی است، این تله فضایی عمل می‌کند و مرتب تشدید می‌شود و خارج‌شدن از آن، کار بسیار سختی است. اگر بخوانیم از جنبه منطقه‌ای به این موضوع توجه کنم، به نظر می‌وجه بسیار مهم این قضیه، نابرابری‌ها و عدم‌تعادل فضایی در سطح منطقه است، یعنی مجموع پارمترهایی که در طول دوره‌های متوالی، از گذشته تاکنون، باعث شده این نابرابری‌ها به وجود بیاید و در مکانی به نام شهر سر باز کند. منظور این است که وقتی تفاوت شدیدی بین مناطق مختلف به دلایل اقتصادی، اجتماعی و امثال آن به‌وجود می‌آید عملاً نابرابری‌های شدیدی که به‌وجود می‌آید، موجب مهاجرت‌ها و جابه‌جایی وسیع جمعیتی می‌شود. گرچه با نفس مهاجرت مخالف نیستم و معتقدم باید آن را جهت داد، اما به‌طور عام با شرایطی که ما داریم، این جابه‌جایی‌ها طبیعی نبوده و بیمارگونه است. در واقع به حدی بوده که در طرح آمایش سرزمین، از آن با عنوان نیمه شمال‌غرب و جنوب‌شرق یاد می‌شود که دوگانگی یا به تعبیری حتی چندگانگی عظیم فضایی را به‌وجود آورده است.

خود دسترسی به فرصت بیشتری داشته و وضعیت بسیار مناسبی پیدا کرده است. معمولاً این مسئله که به دلیل فقر شهری و شهری‌شدن فقر شکل گرفته، هرچند بعد مکانی و جغرافیایی دارد؛ اما اثراتش اصلاً جغرافیایی نیست. نکته دیگری نیز وجود دارد، بهره‌برداری و بهره‌وری سرمایه‌داری از گذشته مطرح بوده و الان به شکل نوینی در ایران ظهور پیدا کرده است. به دلیل رانتی‌شدن شهرهای ایران، خیلی از منابع از مکان‌های دیگر به شهرهایی می‌آیند که میزان ریسک سرمایه‌گذاری و میزان سودی که از رانت می‌گیرید، بیشتر شود. به‌همین‌دلیل در تهران الگوهای زندگی رخ می‌دهد که خصلت شهرهای رانتی است.



هجوم مردم برای کسب رانت بیشتر یا هر دلیل دیگر، رخ می‌دهد. در نتیجه شما از یک طرف سیستمی دارید که استانداردها را درست نمی‌بیند و سیستمی که اتفاقات را به صورت نقطه‌ای می‌بیند نه پهنه‌ای که باعث می‌شود نگاه برنامه‌ریزی معطوف به تمامی اقشار نباشد و بخشی از اقشار از دایره برنامه‌ریزی کنار گذاشته شوند. در کنار این موضوع، پدیده سوداگری غالب است. موجودی سرمایه یک کشور را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: سرمایه زمین و ساختمان (محیط مسموم) و سرمایه مولد که در تولید کالا و خدمات به صورت ماشین‌الات و سرمایه‌های جاری به‌کار می‌رود. براساس برآوردهای کلان، بخش عمده این سرمایه در مستغلات و محیط مسکونی مستقر است، چون شما به یک شیر رانت به نام نفت وصل هستید، نظام توزیع قدرت و ثروت از گذشته تا به حال بسیار نابرابر بوده و در چند سال گذشته هم تشدید شده و نظام توزیع هم رانت نفتی را به صورت کاملاً نابرابر توزیع می‌کند.

از سویی این سیستم گراشیکی که برای بقای پایدار و انباشت پایدار سرمایه که حداقل استانداردهای برابری ایجاد کند، ندارد. در نتیجه آن قشر معطوف به بازار خاصی برای خود می‌شود که این بازار در اتومبیل در شکل پورشه و مازراتی دیده می‌شود؛ درحالی‌که از قدیم در بخش مستغلات به شکل سوداگری و فعالیت‌های تجاری در زمین و مسکن دیده می‌شد. اگر روند تحولات بازار سیکل مسکن را از دهه ۵۰ نگاه کنید، حداقل شش سیکل را طی کرده‌ایم. ۵۰ فعالیت‌ها منجر به افزایش شدید قیمت می‌شود؛ چون نشئت فضایی دارد و افزایش شدید قیمت، توام کردنش با اختلال شدید طبقاتی در درآمد و به تبع آن در ثروت، باعث می‌شود به تدریج اقشاری از دایره عملکرد رسمی بازار به بیرون پرت شوند، یعنی به سمت بازار غیررسمی که سکونتگاه غیررسمی است. جالب اینکه از دهه ۷۰ به این طرف، این ترکیب تغییر می‌کند. از دهه ۷۰ شاهدیم با سیاست نوین مدیریت شهری، مبنی بر فروش تراکم و استفاده از انبار زمین به‌عنوان ابزار کسب درآمد و سپس ورود قدرت‌های شبه‌انحصاری که اغلب شبه‌دولتی نیز هستند در بازار مستغلات به شکل ساخت مال‌ها و مجتمع‌ها، بازار زمین را تبدیل به جولانگاه رقابت انحصاری کرد. این رقابت انحصاری باعث می‌شود دائماً با قیمت زمین بازی کنند و منفعت‌های زیادی هم ببرند، همان پدیده‌ای که به نام زمین‌خواری از آن نام برده می‌شود.

این امر باعث شده سهم زمین در هزینه تولید مسکن به بالای ۵۰ درصد برسد که در هیچ کشوری در این حد نبوده است. عملکرد مجموعه نظام مدیریت شهری کشور و بخش مسکن، باعث می‌شود این برایندها تشدید و در نتیجه، شاهد تشدید حاشیه‌نشینی در ایران باشیم. برآوردهایی که در طرح جامع داشتیم، نشان داد از سال ۸۴ به این طرف، حداقل میزان حاشیه‌نشین‌ها ۲۰ درصد افزایش پیدا کرده است. عامل ریشه‌ای عملکرد نظام سرمایه‌داری، خاص کشور خودمان است. در هر نظام سرمایه‌داری ممکن است این اتفاق نیفتد. عامل بعدی، نظام برنامه‌ریزی شهری و دیدگاه‌های حاکم بر این برنامه‌ریزی هستند. بازار مستغلات و حاکمیت سرمایه‌های سوداگرانه در بازار مستغلات، به‌خصوص بازار زمین و ورود قدرت‌های انحصاری مانند شهرداری‌ها و شرکت‌های شبه‌دولتی مثل برخی بانک‌های شبه‌دولتی که اسماً خصوصی هستند، باعث افزایش شدید قیمت می‌شود

و در نتیجه، منجر به پرت‌شدن بخش زیادی از اقشار کم‌درآمد به بیرون از بازار رسمی و شکل‌گیری یک بازار غیررسمی می‌شود. به نظر نمی‌آید تله فضایی بعد از گذشت مدتی حتی از نظر ساکنان به‌عنوان تله تلقی شود. زمانی شما در هندوستان یک خیابان‌خواب را می‌بینید که اصلاً تراحت نیست و به دلایل ایدئولوژیک عقیده دارد دفعه بعد که به دنیا آمد روحش در قالب یک قشر بالاتر به دنیا خواهد آمد، اما در ایران، این پذیرش اجتماعی تا جایی که دیده‌ام، وجود ندارد. در نتیجه تله فضایی در درجه اول در دیدگاه کلان نظام برنامه‌ریزی معنادر است و در درجه دوم، ناراضی‌بودن بخش زیادی از اقشار حاشیه‌نشین از وضعیت خود و فشاری که برای ارتقای شرایطشان به دولت می‌آورند، به این تله فضایی رنگ‌وبوی واقعی می‌دهد.

آ پس این جامعه سرمایه‌داری است که منجر به ایجاد چنین تله فضایی‌ای می‌شود؟

اطهاری: معتقدم جامعه سرمایه‌داری جامعه‌ای است که رشد ناموزون دارد. این رشد ناموزون را می‌توانید حتی در کشوری مانند یونان ببینید. یونان در یک تله کشوری در تقسیم کار جهانی افتاد که اتفاقاً در آن کشور، بخش ساختمان رانتی تقویت شد و بخش صنعت از آن گرفته شد. در نهایت حتی اتحادیه اروپا مجبور شد به چپ رادیکال اجازه دهد در اقتصاد این کشور وارد شود، زیرا هیچ حکومتی با سیستم نولیبرالیسم از عهده بیرون‌آوردن کل جامعه یونان از تله فضایی که در آن افتاده بود، بر نمی‌آمد؛ زیرا اتحادیه اروپا این قدر پول تزریق کرده بود که دیگر ناتوان شده بود. در کشورهای سرمایه‌داری، تله فضایی پایدار نیست. در طول زمان امری مثل سکونتگاه غیررسمی در آن پایدار نمی‌ماند و گسترش پیدا نمی‌کند. وقتی گسترش پیدا کرد، معلوم است که این تله فضایی است. از لحاظ فلسفی می‌گویند با باید دنبال داکتر ملطوبیت بود یا به حداقل‌رساندن رنج. چون فعلاً افقی روبه‌روی ما از لحاظ جایگزین سرمایه‌داری به‌عنوان یک الترناتیو موجود نیست، بحث ما اینجا می‌تواند در این‌ قالب باشد که چگونه جامعه‌مان حداقل رنج را تحمل کند. تجربه جهانی نشان می‌دهد حداقل رنج امکان‌پذیر است.

ادامه در صفحه ۵

بازار

طلا و سکه +	قیمت (تومان)	تغییر
طرح جدید	۹۲۵۰۰۰	↓
طرح قدیم	۹۲۵۰۰۰	↓
نیم	۴۷۵۰۰۰	↓
ربع	۲۴۵۰۰۰	↓
گرمی	۱۸۱۰۰۰	↑
گرم ۱۸ عیار	۹۵۰۲۱	↑
اونس (دلار)	۱۱۶۸٫۹۸	↓

● **شرق:** بازار طلا در آستانه تعطیلات اعیاد شعبانیه در حباب غرق شد. در آخرین روز معاملاتی، قیمت سکه بهار آزادی نسبت به روزهای قبل با نوسان و افزایش قیمت همراه شد. مصطفی قدرتی، معامله‌گر ارز و سکه در گفت‌وگو با «شرق» گفت: سه‌شنبه آخرین روز معاملاتی بود که قیمت سکه بهار آزادی روی ۹۳۲ هزار تومان و اونس طلا روی هزارو ۱۹۲ دلار ایستاده بود اما در تعطیلات اخیر قیمت سکه به ۹۲۵ هزار تومان و اونس به هزارو ۱۶۸ دلار رسید. وی کاهش قیمت سکه را به دلیل کاهش قیمت اونس عنوان کرد و افزود: شاخص مدعیان بیمه بیکاری در آمریکا روی قیمت اونس تأثیر گذاشت و قیمت را با کاهش مواجه کرد؛ ضمن آنکه اگرچه شاخص نرخ بیکاری آمریکا نیز روی قیمت اونس تأثیرگذار است اما در ساعت پنج بعدازظهر دیروز که شاخص نرخ بیکاری آمریکا ۵٫۵ درصد اعلام شد، این شاخص روی قیمت اونس تأثیر خاصی نگذاشت اما شاخص استخدام بخش غیرکشاورزی توانست اونس را با ریزش روبه‌رو کند که به هزارو ۱۶۸ دلار برسد.

ارز +	قیمت (تومان)	تغییر
دلار آمریکا	۳۳۱۱۳	–
یورو	۳۶۶۰	↓
پوند	۵۰۹۵	↓
درهم	۹۰۸	↓

● **شرق:** روز گذشته بعد از اعلام شاخص استخدام بخش غیرکشاورزی در آمریکا، دلار با ۱۰۰ تیپ افزایش قدرت گرفت. اگرچه دلار آمریکا بعد از اعلام این شاخص از نرخ ۹۵٫۵۰ به ۹۶٫۵۰ رسید اما دلار در بازار ایران به دلیل عدم برابری ارزش‌ها با یکدیگر، هیچ تأثیری از این ماجرا نگرفت، دلار در بازار آزاد، بدون نوسان خاصی، روزهای تعطیل خود را پشت سر گذاشت.

در آخرین روز معاملاتی، دلار بانکی روی قیمت سه‌هزارو ۳۱۳ و دلار آزاد روی قیمت سه‌هزارو ۳۲۰ تومان ایستاده بود.

مصطفی قدرتی معامله‌گر ارز و سکه در گفت‌وگو با «شرق»، آخرین نرخ معاملاتی دلار آزاد را در تعطیلات اخیر، سه‌هزارو ۳۲۵ تومان عنوان کرد و گفت: حجم معاملات به دلیل آنکه عده کمی در بازار خریدوفروش داشتند، بسیارکم بود و باید امروز در انتظار نرخ اصلی بازار آزاد باشیم. وی همچنین قیمت یورو را سه‌هزارو ۶۶۰ تومان، درهم ۹۰۸ تومان و پوند را هم پنج‌هزارو ۹۵ تومان ذکر کرد.

ورود سرمایه‌گذاران خارجی به بورس

عنوان شاخص	۳۰ اردیبهشت ۱۲ خرداد	تغییر
کل	۶۳۳۸۹۸	۴۱۳۳+
۳۰ شرکت بزرگ	۲۹۱۹۰۱	۲۸۹۱+
آرآدشاوَر	۷۳۱۵۲۰۵	۶۵۳۳+
شاخص قیمت	۲۶۹۹۲۲	۲۴۴۸۴۷+
شاخص کل (موزن)	۹۹۴۳۳	۹۹۰۷۱۶+
شاخص قیمت (موزن)	۸۹۶۳۲۹	۸۷۹۱۰۲+

● **شرق:** بازار سرمایه در هفته گذشته همچنان بر طبل ریزش کوبید و به‌این‌ترتیب همراه با کاهش ارزش، با کاهش حجم و ارزش معاملات نیز روبه‌رو شد. اما خبری که اخیراً به گوش رسیده، مبنی‌بر حضور سرمایه‌گذاران انگلیسی و آمریکایی در بازار سرمایه، می‌تواند تحرکی در بازار ایجاد کند.

فراز مسافری‌راد، تحلیلگر بازار سرمایه، هرچند که این میزان اندک نیز برای بازار سرمایه در نظر دارد، اما این سرمایه‌گذاران، سرمایه‌گذاری را منوط بر تسهیل تحریم‌ها و بازشدن خطوط اعتباری می‌دانند و برای ورود جدی آنها باید در انتظار نتیجه مثبت مذاکرات ماند.

هرچند که این میزان اندک نیز برای بازار سرمایه اعتبار خواهد آورد و نقدینگی را به بازار می‌آورد، اما این سرمایه‌گذاران، سرمایه‌گذاری را منوط بر تسهیل تحریم‌ها و بازشدن خطوط اعتباری می‌دانند و برای ورود جدی آنها باید در انتظار نتیجه مثبت مذاکرات ماند.